



موسیقی ملی ایران

داریوش صفوت

نلی کارن

ترجمه‌ی سوسن سلیم‌زاده

انتشارات کتاب‌سرای نیک، ۱۳۸۸

کتاب «موسیقی ایران» دومین کتاب از یک مجموعه‌ی ده جلدی است که مؤسسه مطالعات تطبیقی موسیقی برلین، تحت عنوان «سنت‌های موسیقایی» منتشر کرده است. کتاب با همت و پی‌گیری مرحوم خانم پروفسور کارن موسیقی‌دان معروف فرانسوی و در زمان تحصیل داریوش صفوت در انستیتو موسیقی‌شناسی شرقی وابسته به دانشگاه سوربن نوشته شده است.

با توجه به جنبه‌ی تاریخی و تأثیر این کتاب در حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ایران، ترجمه آن با توجه به نگرارش پیچیده و فنی کتاب، و تخصصی بودن آن درخور تقدیر است. با اینکه اثر حاضر بن مایه کتاب به زبان فرانسه دارد، اما کتابی متفاوت است. متن ترجمه شده فرانسه، به عنوان پایه قرار گرفته و مطالب مورد نظر بر آن نهاده شده است. این امر شاید بتواند توجیه مناسبی باشد بر این که چرا بر جلد کتاب، نویسندگان به صورت «دکتر داریوش صفوت»، با همکاری پروفسور نلی کارن معرفی شده‌اند. با مطالعه‌ی پیشگفتار صفوت بر کتاب خواننده درمی‌یابد که او از چه روشی برای تألیف کتاب بهره جسته است. اشاره می‌شود که کتاب با توجه به مجموعه‌ی کتب، رساله‌ها و مقاله‌ها و تحقیقات مناسب برای توضیح و تشریح وجوه مختلف موسیقی ایران می‌بایست شامل بخش‌های زیر باشد:

– بخش تاریخی شامل تاریخچه مختصر موسیقی ایران و پیشینه‌ی تحقیقات علمی قرن بیستم در این باره.

– بخش فنی، شامل تئوری، سازها، فرم‌ها، ریتم‌ها، بدیهه‌پردازی و غیره.

– بخش تحقیقات جدید که در لابراتوار آکوستیک موسیقی پاریس به عمل آمد.

– بخش جامعه‌شناختی و زیبایی‌شناختی موسیقی ایران

– خاتمه و پیشنهاد راهکار برای برون رفت از محدودیت‌های اجتماعی موجود.

صفوت با همکاری نلی کارن براساس مدارک مورد اشاره در ابتدا، ۱۹ سرفصل تعیین و در چهار پرونده تاریخ، ویژگی‌های موسیقی ایران، فواصل موسیقی ایران، آوازها و دستگاه‌ها و غیره مطالب را گنجانده که در نهایت در هفده فصل تنظیم شده است.

در مورد نام کتاب، ابتدا این سؤال مطرح شده که آیا موسیقی ایران را باید سنتی نامید یا ملی یا اصیل و کلاسیک. صفوت معتقد است اگر به دیده‌ی تحقیق به موسیقی ایران و تاریخ آن نگاه کنیم، نتیجه خواهیم گرفت که این موسیقی هم سنتی است هم ملی، هم اصیل و هم کلاسیک. یعنی هر چهار صفت را دارا است. وی در مورد سنتی بودن آن و تردیدهای مطرح شده و دلایل مخالفین بر اینکه موسیقی ایران بیش از ۱۰۰ سال سابقه ندارد و موسیقی جدید محسوب می‌شود، نه سنتی می‌نویسد که: بدون هیچ تردید چنین استنباط می‌شود که موسیقی ایران را می‌توان و باید سنتی نامید. البته منظور از سنتی این نیست که موسیقی امروز امروز عیناً همان چیزی است که دو هزار سال پیش اجرا می‌شده؛ زیرا موسیقی هم لزوماً مانند هر پدیده دیگری، در طول تاریخ و به مرور زمان تحول پذیرفته است. منظور این است که ریشه و اساس موسیقی ما همان است که از دیرباز تاکنون پابرجا باقی مانده و در مسیر تاریخ به سوهان مصائب و طوفان حوادث جلا یافته و به صورت امروزی به دست ما رسیده است. این است معنی سنتی بودن و اصالت موسیقی ایرانی.

کتاب در هفده فصل ارائه شده است.

– تاریخ موسیقی ایران، ویژگی‌های موسیقی ایرانی، فواصل در موسیقی ایرانی، آوازها و دستگاه‌ها، گوشه‌ها و ردیف، آرایه‌ها (تزیینات)، بداهه‌پردازی، ریتم‌ها، فرم‌های موسیقی ایرانی، موسیقی آوازی: سازها، انواع کوک، آموزش شفاهی – نت‌نویسی، جنبه‌های گوناگون موسیقی ایرانی، معیارهای موسیقی دانان سنتی، موسیقی سنتی ایرانی در جامعه‌ی امروزی.

مؤلف در بحث موسیقی سنتی ایرانی در جامعه‌ی امروزی و با اشاره به گسترش کمی موسیقی (حاصل کارکرد روزافزون فن‌آوری) و افزایش موسیقی‌های مبتذل از رادیوها و تلویزیون‌های جهان، واژگونی ارزش‌ها را گوشزد می‌کند. وی ادعای جوان ایرانی مبنی بر اینکه موسیقی سنتی، یکنواخت و کسل‌کننده شده و در تضاد با روند پیشرفت اجتماعی است که مستلزم آوازها و ریتم‌های پرتحرک است، از آسیب‌های موسیقی سنتی ایرانی در جامعه‌ی امروز برمی‌شمارد. چنان‌چه می‌نویسد: در بیشتر کشورهای مشرق زمین باد دشمنی کورکورانه با تمام سنت‌ها می‌وزد و مردم را به طرد کردن و نپذیرفتن سنت‌های آباء و اجدادی وادار می‌کند و منجر به افراط‌های مخرب و ویرانگر می‌شود. به نظر وی جوان ایرانی تمام چیزهایی را که از خارج از کشور می‌آید بدون قوه‌ی تشخیص قبول می‌کند و تحقیر مقوله‌های سنتی را نشانه‌ی مترقی بودن به شمار می‌آورد. در واقع صفوت هشدار می‌دهد که اگر مراقب نباشیم، موسیقی ایرانی با تهاجم فرهنگی از بین خواهد رفت، یا لاقلاً رنگ اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

نکته دیگری که متذکر می‌شود این است که تهاجم فرهنگی از تحریم‌های سابق خطرناک‌تر است، زیرا تحریم‌ها خود محرکی بوده برای حفظ اصالت موسیقی. در صورتی که گرایش‌های امروزی، و گروه نوازی‌های به سبک غربی و عربی و غیره، به راستی موسیقی ایرانی را به کلی مسخ خواهند کرد، و به سبب نخواستاری‌ها و آسان‌گرایی‌ها، موسیقی‌های دو رگه و کم ارزش جایگزین موسیقی اصیل ایرانی خواهند شد.